



کامران علمدهی
روزنامه‌نگار

آخرین روزهای اسفند بود و تا آغاز سال نو چند روز بیشتر نمانده بود. خیابان‌ها پر از مردمی بود که هر کدام در تب و تاب انحام کارهای عقب افتاده و خرید و نظافت و رفتن به استقبال سال جدید بودند. هنوز ساعتی تا نیمه شب باقی مانده بود که ناگهان کسانی که برای تفریح در پارک نشسته بودند صدای فریادهای چند جوان در جا میخکوبشان کرد. چند پسر جوان که انگار حالت طبیعی نداشتند زیر یکی از آلاچیق‌ها با هم درگیر شده و ناسزا می‌گفتند اما در همین موقع یکی از پسرها فریادی از سر درد کشید و نقش بر زمین شد. رهگذران با مشاهده پسر جوان به طرف او دویدند اما دوستانش پا به فرار گذاشتند و بدین ترتیب با رسیدن امدادگران اورژانس پسر ۳۳ ساله‌ای که چاقو خورده بود به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد به خاطر شدت جراحات روی تخت بیمارستان جان باخت.

مأموران حراست بیمارستان موضوع را به پلیس خبر دادند و دقایقی بعد تحقیقات درباره قتل پسر جوان آغاز شد.

با توجه به اظهارات شاهدان ماجرا خیلی زود پسران جوانی که در این درگیری بودند شناسایی شدند اما هر سه نفر به مکان نامعلومی فرار کرده بودند. تلاش برای ردیابی عاملان جنایت ادامه داشت تا اینکه ۱۲ روز بعد آنها که در باغی متروکه در شهریار مخفی شده بودند دستگیر شدند و به درگیری خونین با قربانی اعتراف کردند. یکی از پسرها به نام شهرام گفت: من همراه سعید و سهیل به پارک رفته بودیم. چون مشروب خورده بودیم و حالت طبیعی نداشتیم نمی‌فهمیدیم چه کار می‌کنیم، زیر یکی از آلاچیق‌ها پسری نشسته بود و مشروب می‌خورد. او که حال طبیعی نداشت به محض دیدن ما شروع به فحاشی کرد و همین موضوع باعث درگیری شد. ما هم با چاقو و قمه به او حمله کردیم و من او را کشتم.

متهم به بازسازی صحنه جرم پرداخت و برایش به اتهام قتل و برای دو دوستش به اتهام شرکت

رهگذران با مشاهده پسر جوان به طرف او دویدند اما دوستانش پا به فرار گذاشتند و بدین ترتیب با رسیدن امدادگران اورژانس پسر ۳۳ ساله‌ای که چاقو خورده بود به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد به خاطر شدت جراحات روی تخت بیمارستان جان باخت

راز جنایت در دادگاه فاش شد

در نزاع منجر به قتل کیفرخواست صادر شد و آنها در شعبه ۷ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

نخستین دادگاه

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. وقتی برادر مقتول روبه‌روی قضات ایستاد، گفت: برادرم با یکی از متهمان به نام سعید از قبل اختلاف داشت اما برادرم با شهرام مشکلی نداشت و او را نمی‌شناخت، من شک دارم شهرام برادرم را کشته باشد، آنها در این درگیری بودند اما حالا شهرام قتل را گردن گرفته است.

وی ادامه داد: سعید از ارادل و اوباش منطقه است. او از قبل با برادرم درگیر بوده و مدتی قبل از این ماجرا برادرم او را کتک زده بود. به همین خاطر سعید کینه برادرم را به دل داشت و در پارک او را با ضربه‌های قمه کشت. ما به هیچ

قیمتی حاضر به گذشت نیستیم و قصاص می‌خواهیم.

پس از صحبت‌های شاکی این بار شهرام در جایگاه ویژه ایستاد و در حالی که منکر قتل شده بود، گفت من مقتول را نکشتم. این در حالی بود که قبلاً به قتل اعتراف کرده و به بازسازی صحنه جنایت پرداخته بود اما در دادگاه انگشت اتهام را به سمت دوستش نشانه رفت و گفت: من قبلاً تحت فشار روانی به قتل اعتراف کرده بودم. اما حالا می‌گویم ضربه کشته‌ای به مقتول نزدم. من چند ضربه چاقو به کمر او زدم اما مقتول به خاطر اصابت ضربه قمه سعید به گردنش کشته شد.

سپس سعید به دفاع پرداخت و گفت: دوستم دروغ می‌گوید و می‌خواهد قتل را گردن من بیندازد. من در آن دعوا شرکت کردم اما ضربه‌ای به مقتول نزدم و شهرام در حال مستی او را کشت. سهیل نیز شرکت در درگیری را

گردن گرفت اما مدعی شد ضربه‌ای به قربانی نزده است. وی گفت: قبول دارم در دعوا حضور داشتم اما



سهیل نیز شرکت در درگیری را گردن گرفت و گفت: قبول دارم در دعوا حضور داشتم اما ضربه‌ای به مقتول نزدم و بی‌گناه هستم. در حالی که متهمان قصد داشتند جنایت را گردن یکدیگر بیندازند، قضات دادگاه پرونده را به دادسرا برگرداندند تا تحقیقات در این زمینه تکمیل شود

ضربه‌ای به مقتول نزدم و بی‌گناه هستم.

در حالی که متهمان قصد داشتند جنایت را گردن یکدیگر بیندازند، قضات دادگاه پرونده را به دادسرا برگرداندند تا تحقیقات در این زمینه تکمیل شود.

با تکمیل تحقیقات و پرس و جو از شاهدان سه متهم بار دیگر در دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کردند.

دومین دادگاه

در این جلسه بار دیگر اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند و گفتند هر کدام از سه متهم که پسر ما را کشته باید قصاص شود. سپس شهرام روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: قبول دارم آن شب در آلاچیق پارک مشروب خورده و مست بودم و با مقتول درگیر شدم. من با قسمت پهن قمه‌ای که در دست داشتم ضربه‌ای به سرش زدم اما ضربه کشته‌ای نبود و پزشکی قانونی نیز تأیید کرده او به خاطر اصابت چاقو به گردنش کشته شده است.

وی ادامه داد: وقتی من و دو دوستم بازداشت شدیم قرار شد هر کدام اعتراف کنیم چند ضربه به مقتول زده‌ایم و با هم قتل را گردن بگیریم. من هم به خاطر عهدی که با دوستانم بسته بودم اعتراف کردم با قمه ضربه‌ای به مقتول زدم. اما بعد متوجه شدم سعید به عهدش وفا نکرده و به دروغ گفته ضربه‌ای به مقتول نزده است. او ضربه کاری را به گردن مقتول زد. اما حالا با دروغ‌گویی می‌خواهد قتل را گردن من بیندازد. من حالا حقیقت را می‌گویم. سعید قاتل است.

وقتی سعید در جایگاه ویژه ایستاد، گفت: من چند ضربه چاقو به مقتول زدم اما ضربه‌ای به گردن او نزدم. قبول دارم از قبل با او درگیر بودم ولی هرگز قصد کشتن او را نداشتیم. او خودش وقتی ما را دید شروع به فحاشی کرد و دعوا راه انداخت.

سهیل نیز گفت: من در دعوا چاقو داشتم اما ضربه‌ای به مقتول نزدم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

نزاع جمعی و مجازات آن

می‌شوند. آموزش مهارت‌های زندگی با تکیه بر مدیریت خشم و بالا بردن آستانه تحمل، از نظر سلامت روانی، آنها را در وضعیت مصونیت از نزاع قرار می‌دهد. در حال حاضر خلأ این آموزش‌ها احساس می‌شود. امید است دست‌اندرکاران آموزشی و رسانه‌ای افراد جامعه را از همان دوران کودکی با این مهارت‌ها آشنا کنند.

بردن آستانه تحمل افراد، در نظام آموزشی یک جامعه، دسترسی آسان به مواد مخدر و قرص‌های صنعتی و روانگردان‌ها و مشروبات الکلی، محرومیت‌های نسبی مالی اقشار جامعه و گسترش فقر و تنگدستی، پخش فیلم‌ها و سریال‌های داخلی یا خارجی و گسترش فضای مجازی و افزایش بازی‌های خشن رایانه‌ای از عوامل ایجاد منازعه محسوب

گردد. با توجه به جرم‌انگاری منازعه، اشخاصی که درگیری‌های خیابانی یا غیرخیابانی شرکت می‌کنند، به تحمل مجازات حبس محکوم می‌شوند. البته مجازات این اشخاص برحسب نتیجه‌ای که در درگیری حادث می‌شود، معین خواهد شد. وجود خلأ آموزش مهارت‌های زندگی و فنون مدیریت خشم و عدم بالا

رفتار یا پدیده وافر شناخته می‌شود و در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی نیز برای اینگونه رفتارها تعیین شده است. جرم منازعه زمانی محقق می‌شود که حداقل چهار نفر به زد و خورد یا یکدیگر مشغول باشند. منازعه ممکن است از طریق زد و خورد بدنی و یا با توسل به ابزارهایی مثل گلوله، چوب و سنگ صورت

آن فکر نمی‌کند. در قانون مجازات اسلامی به موضوع منازعه و درگیری پرداخته شده است که این امر را به نوعی محل امنیت و آسایش عمومی مردم یک جامعه قلمداد نموده است.

منازعه به درگیری و نزاع میان انسان‌ها، به شکلی که زد و خورد از سوی هر دو طرف صورت بگیرد اطلاق می‌شود. منازعه به‌عنوان یک

یکی از اصلی‌ترین دلایل حضور مردم در پزشکی قانونی همین نزاع‌ها و درگیری‌های خیابانی است، اغلب قتل‌ها و صدمات جبران‌ناپذیر، از قبل برنامه‌ریزی نشده است و در یک لحظه اتفاق می‌افتد. متأسفانه سهولت دسترسی به سلاح‌های سرد علت تام این قتل‌ها بوده که ضارب در حین ضربه زدن، اصلاً به عواقب